

مربی تربیتی ، آینه مهر و وفا
چشمه جوشان سخا ، پنجره رو به خدا
شهر گرفته باز هم ، در تن واژه ها وضو
عاطفه و عشق و امید از تو گرفته رنگ و بو
باز طلوع می کند ، صبح درخشنده تو
درس دوباره می دهد ، باز مرا خنده تو
با نفس روشن تو ، صبح شروع می شود
شام سیاه می رود ، فصل طلوع می شود
ای که همیشه دفترم ، پُر شده از صدای تو
مانده میان خاطرم ، قصه آشنای تو
تو پُرشکوفه کرده ای ، نهال مهر و ماه را
بیا نشان بده به ما ، طلوع را ، پگاه را
بهار مهر و دوستی ، در آسمان پُر گهر
تویی همیشه باغبان ، منم شکوفه هنر
دوباره صبحگاه را ، پُر از حضور ناب کن
شب سیاه طی شده ، دوباره آفتاب کن
نماز را به پای دار ، میان باغ مدرسه
تویی همیشه تا ابد ، چشم و چراغ مدرسه
باز رسیده صبح گل به غنچه ها سلام کن
خستگی از تلاش تو ، خسته شده قیام کن